

Research Article

Emamatpajouhi,
Thirteenth year, vol .1
Spring & Summer 2023
DOI:10.22034/
jep.2025.464272.1617
jep.emamat.ir



copyright© the authors

The Title Amīr al-Mu' minīn: Its Historical Development and Jurisprudential, Theological, and Social Implications*

Mohammad Hossein Rahā'i¹ / Ebrahim Rezaei Kalirī²

Abstract

One of the significant and exclusive titles of Imam 'Alī (peace be upon him) is "Amīr al-Mu'minīn," signifying authority over believers in all aspects of their lives. This title was first bestowed exclusively upon Imam 'Alī (peace be upon him) by God and was subsequently conveyed to the Prophet on various occasions. This title was consistently emphasized by the Prophet and the Ahl al-Bayt (peace be upon them) to the extent that even the Ahl al-Bayt themselves never used this title for themselves and forbade others from doing so.

Drawing on the library sources of both schools (fariqayn) and employing a descriptive-analytical methodology, the present study examines the historical evolution of the use of this title and its jurisprudential, theological, and social results. The findings indicate that the title was initially designated by God exclusively for Imam 'Alī (peace be upon him), and that the Prophet, by divine command, repeatedly proclaimed this to the Muslims. However, following the Prophet's demise, the three caliphs, and later the Umayyad and Abbasid caliphs, usurped this title.

From a jurisprudential perspective, one consequence of this title is the prohibition of its use for anyone other than Imam 'Alī (peace be upon him). Theologically, it entails effects such as its exclusive attribution to Imam 'Alī, his priority and authority over the believers in all spheres, his succession, and his superiority over others. The shedding of the blood of the Infallibles, the legitimization of what had been forbidden regarding the Prophet's family (iṭrat), and the root of all misguidance following the Prophet's death are among the political-social consequences of the usurpation of this title.

Keywords: Amīr al-Mu'minīn; Imam 'Alī (peace be upon him); the Prophet; Umayyads; Abbasids; usurpation.

*. Data of receipt: 23/10/2024, Data of acceptance: 25/12/2024.

1. Level 2 Seminary Researcher in Theology, Institute of the Infallible Imams (peace be upon them), Qom, Iran. (Corresponding Author). hoseinmr1332@gmail.com.
2. Senior Seminary Instructor and Researcher, Institute of the Infallible Imams (peace be upon them), Qom, Iran. e.r181359@gmail.com.

لقب «أمير المؤمنين»، تطوراته وآثاره الفقهية والكلامية والاجتماعية*

محمد حسين الرهائي^١ / إبراهيم الرضائي الكبري^٢

مقالة محكمة

امامت پژوهش
السنة الثالثة عشرة
العدد الأول، الربيع
والصيف سنة ٢٠٢٣
jep.emamat.ir



الملخص

يعد لقب «أمير المؤمنين» من أهم الألقاب الحصرية للإمام علي عليه السلام، إذ يدل على ولايته وسلطته على المؤمنين في جميع شؤون حياتهم. وقد استعمل هذا اللقب لأول مرة من قبل الله تعالى على نحو خاص في حق الإمام علي عليه السلام، ثم أبلغ به رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم في مناسبات متعددة. وقد ظل هذا اللقب محل تأكيد دائم من قبل النبي صلى الله عليه وآله وسلم وأهل البيت عليه السلام، إلى حد أن أهل البيت عليه السلام أنفسهم لم يستخدموه لأنفسهم قط، كما نهوا غيرهم عن إطلاقه على سواهم. يسعى هذا البحث، بالاعتماد على المصادر المكتوبة لدى الفريقين وبالمنهج الوصفي التحليلي، إلى دراسة تطورات استعمال هذا اللقب عبر التاريخ، وبيان نتائج الفقهية والكلامية والاجتماعية. وتبين نتائج البحث أن هذا اللقب قد اختص به الإمام علي عليه السلام ابتداء بأمر إلهي، ثم قام النبي الأكرم صلى الله عليه وآله وسلم، امتثالاً للوحي، بإبلاغه مراراً للمسلمين. غير أنه بعد رحيل النبي صلى الله عليه وآله وسلم، قام الخلفاء الثلاثة، ثم خلفاء بني أمية وبني العباس، باغتصاب هذا اللقب واستعماله لأنفسهم. ومن النتائج الفقهية المترتبة على هذا اللقب حرمة إطلاقه على غير الإمام علي عليه السلام. أما من الناحية الكلامية، فيستلزم الاعتقاد باختصاص هذا اللقب به، وثبوت أولويته وولايته على المؤمنين في جميع الشؤون، وكونه الخليفة الحق والأفضل على سائر المسلمين. كما أن سفك دماء المعصومين عليه السلام، واستحلال محرمات العترة، وكون جذور الانحرافات التي وقعت بعد وفاة النبي صلى الله عليه وآله وسلم، تعد من الآثار السياسية والاجتماعية المترتبة على اغتصاب هذا اللقب.

الكلمات المفتاحية: أمير المؤمنين، الإمام علي عليه السلام، النبي الأكرم صلى الله عليه وآله وسلم، بنو أمية، بنو العباس، الاغتصاب.

*. تاريخ التسليم: ٢٠٢٣/١٠/٢٣، تاريخ القبول: ٢٠٢٤/١٢/٢٥.

١. باحث في الحوزة العلمية، المستوى الثاني، تخصص العقائد، معهد الأئمة الأطهار عليه السلام،

قم، إيران. (المؤلف المسؤول). hoseinmr1332@gmail.com.

٢. مدرس وباحث في الحوزة العلمية، معهد الأئمة الأطهار عليه السلام، قم، إيران. e.r181359@gmail.com.

لقب «امیر المؤمنین»؛ تطورات و نتایج فقهی، کلامی و اجتماعی*

محمد حسین رهائی^۱ / ابراهیم رضائی کلیری^۲

چکیده

یکی از القاب مهم و انحصاری حضرت علی علیه السلام «امیر المؤمنین» است؛ یعنی صاحب اختیار مؤمنان در تمام شئون زندگی آنان. این لقب نخستین بار از سوی خداوند به طور اختصاصی برای امام علی علیه السلام به کار رفت و در مناسبت‌های مختلف نیز به رسول خدا صلی الله علیه و آله ابلاغ شد. این لقب همواره مورد تأکید رسول خدا و اهل بیت علیهم السلام بوده است تا آنجا که حتی اهل بیت علیهم السلام نیز هیچ‌گاه از این لقب برای خود استفاده نکردند و دیگران را نیز از چنین کاری نهی می‌کردند.

پژوهش حاضر با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای فریقین و با روش توصیفی - تحلیلی، به بررسی تطورات کاربردی این لقب در طول تاریخ و نتایج فقهی، کلامی و اجتماعی آن می‌پردازد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که این لقب نخستین بار توسط خداوند به امام علی علیه السلام اختصاص یافت و پس از آن، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به دستور الهی بارها این موضوع را به مسلمانان اعلام فرمودند؛ اما پس از رحلت آن حضرت، خلفای سه‌گانه و سپس خلفای بنی امیه و بنی عباس این لقب را غصب کردند.

از نتایج فقهی این لقب، حرمت استفاده از آن برای غیر از امام علی علیه السلام است.

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۸/۲، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۵.

۱. دانش پژوه سطح ۲ کلام، مؤسسه آموزش عالی ائمه اطهار علیهم السلام، قم، ایران. (نویسنده مسئول).

hoseinmr1332@gmail.com

۲. استاد سطوح عالی و پژوهشگر مؤسسه آموزش عالی ائمه اطهار علیهم السلام، قم، ایران.

e.r181359@gmail.com

همچنین، این لقب از جنبه کلامی دارای آثاری همچون اعتقاد به اختصاصی بودن آن برای امام علی علیه السلام، اولویت و ولایت ایشان نسبت به خود در تمامی شئون، جانشینی و افضلیت آن حضرت بر دیگران است. ریخته شدن خون معصومین علیهم السلام، حلال شدن حرام‌های عترت، و ریشه تمام گمراهی‌های پس از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله، از پیامدهای سیاسی - اجتماعی غصب این لقب است.

واژگان کلیدی: امیرالمؤمنین، امام علی علیه السلام، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، بنی امیه، بنی عباس، غصب.

مقدمه

امام علی علیه السلام خلیفه بلافصل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، امام اول شیعیان و بزرگ‌ترین شخصیت اسلام پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. در کتب متقدم فریقین، فضائل و مناقب فراوانی درباره ایشان نقل شده و عالمان دینی، شخصیت او را بی‌مانند دانسته‌اند. یکی از القاب برجسته ایشان، لقب «امیر المؤمنین» است که روایات متعددی بر اختصاص آن به ایشان دلالت دارد.

روایات فراوانی بر الهی بودن این لقب برای امام علی علیه السلام تصریح دارند و رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز با نامیدن ایشان به این لقب، دستور سلام با عنوان «امیر المؤمنین» و معرفی ایشان با این عنوان، بر اختصاصی بودن آن تأکید داشتند. اهل بیت علیهم السلام نیز همواره بر این مطلب تأکید نموده و دیگران را از استفاده این لقب برای غیر آن حضرت بر حذر می‌داشتند تا جایی که چنین افرادی را «کافر» می‌خواندند.

پرسش اصلی این است که در دوره‌های مختلف، این لقب چگونه مورد استفاده قرار گرفته و چه تطوراتی داشته است و نتایج کلامی، فقهی و اجتماعی آن در متون فریقین چگونه بازتاب یافته است. این پژوهش با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای متقدم فریقین و با روش توصیفی - تحلیلی، در پی پاسخ به این پرسش است.

۱. پیشینه

با جست‌وجوی انجام شده پیرامون موضوع پژوهش، روشن شد که از دیرباز به صورت اختصاصی آثاری درباره این لقب نوشته شده است؛ از جمله: حجة التفضیل اثر ابن

اثیر، التسليم على «أمير المؤمنين» يامرة المؤمنين نوشته شيخ ابو عبد الله حسين بن عبيدالله بن ابراهيم غضائري، اليقين في اختصاص مولانا علي يامرة المؤمنين تأليف رضى الدين ابو القاسم سيدعلى بن موسى بن طاووس، التحصين لأسرار ما زاد من أخبار اليقين و الأنوار الباهرة في انتصار العترة الطاهرة از همان نویسنده.

علاوه بر این، مقالاتی نیز در این زمینه نگاشته شده است، از جمله:

مقاله پژوهشی «جستاری در کاربرد امیرالمؤمنین در فرهنگ و تمدن اسلامی» نوشته سید علیرضا واسعی، فصلنامه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، شماره ۲۲، بهار ۱۳۹۵، ص ۷-۲۶. این مقاله به بررسی واژه «امیر المؤمنین» و معنای اولیه آن پرداخته است و با تحلیل تاریخی، اختصاص این لقب به امام علی علیه السلام را اثبات می‌کند. مقاله پژوهشی «کاربرد لقب امیرالمؤمنین در سلام خلافت» نوشته حامد منتظری مقدم، دو فصلنامه تاریخ در آینه پژوهش، شماره ۱۹، ۱۳۸۷، ص ۱۵۵-۱۷۰. در این مقاله، نحوه سلام خلافت در گستره تاریخ اسلام و میزان کاربرد لقب «امیر المؤمنین» در میان خلفا بررسی شده است.

مقاله پژوهشی «بررسی کاربردهای لقب امیرالمؤمنین در بستر تاریخ اسلام» نوشته همان نویسنده، دو فصلنامه تاریخ اسلام در آینه پژوهش، شماره ۱۷، ۱۳۸۷، ص ۱۲۷-۱۵۲. نویسنده با رویکرد تاریخی، سه محور «بررسی واژگانی»، «نخستین کاربرد» و «گسترش لقب» را تحلیل کرده است.

مقاله پژوهشی «کنکاشی تاریخی پیرامون کاربرد لقب‌های امیرالمؤمنین و خلیفه الله در مورد خلفا» نوشته حامد منتظری مقدم، فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۷، ص ۱۶۹-۱۹۲. نویسنده در این مقاله، تأثیر دو لقب یادشده و رغبت خلفا به غصب و سوء استفاده از آن‌ها را در راستای «دیندارنمایی» بررسی کرده است.

وجه تمایز پژوهش حاضر با آثار پیشین در این است که افزون بر ارائه گزارش‌های تاریخی و روایی مستند، به تطور این لقب در ادوار مختلف و نیز به نتایج فقهی، کلامی و اجتماعی آن نسبت به امام علی علیه السلام پرداخته است.

۲. مفهوم‌شناسی «امیر المؤمنین»

۲-۱. لغت

«امیر المؤمنین» مرکب از دو واژه «امیر» و «مؤمنین» است که به یکدیگر اضافه شده‌اند. «امیر» در لغت به معنای صاحب امر و فرمان، فرمانده^۱ و پیشوا^۲ آمده است. در برخی روایات نیز به معنای «تغذیه‌شده دیگران به وسیله علم» آمده است، هرچند در منابع لغوی چنین معنایی ذکر نشده است.^۳ «مؤمن» به معنای کسی است که قلبش، اسلام زبانی‌اش را تصدیق کند و جمع آن «مؤمنین» است.^۴

۲-۲. اصطلاح

برخی از منابع اهل سنت، لقب «امیر المؤمنین» را ویژه خلفا دانسته‌اند.^۵ و برخی از منابع لغت، آن را خاص حضرت علی علیه السلام در عرف شیعه معرفی کرده‌اند.^۶ افزون بر این، در روایات تصریح شده که این لقب از سوی خداوند متعال برای امام علی علیه السلام تعیین شده^۷ و از استعمال آن برای دیگران نهی گردیده است.^۸ به طور کلی، اضافه «امیر» به «مؤمنین» به معنای صاحب اختیار مؤمنان در همه شئون زندگی آنان یا پیشوای آنان است.

jep.emamat.ir

۲۸۶

۳. لقب «امیر المؤمنین» در دوران‌های مختلف

در مورد نخستین کاربرد لقب «امیر المؤمنین» گزارش‌های فراوانی وجود دارد. در طول تاریخ، افراد گوناگونی به دلایل سیاسی و مذهبی در پی تحریف واقعیت و تغییر

۱. انصاری، محمد بن مکرم، لسان العرب، ۲۷/۴؛ زبیدی، سید محمد، تاج العروس، ۳۸/۶.

۲. بستانی، فواد، فرهنگ ابجدی، ص ۱۳۵.

۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۴۱۱/۱.

۴. انصاری، محمد بن مکرم، لسان العرب، ۲۳/۱۳.

۵. اشبیلی، عبد الرحمن بن محمد، تاریخ ابن خلدون، ۲۸۲/۱.

۶. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، ۲۸۶۴/۲.

۷. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۴۱۲/۱.

۸. همان، ۴۱۱/۱.

این تاریخ روشن بوده‌اند. از این رو، در این بخش تلاش می‌شود تا بر پایه مستندات تاریخی، تطور حقیقی این لقب در سه دوره اصلی بررسی شود.

۱-۳. دوران حیات رسول خدا ﷺ

طبق گزارش‌های روایی شیعه، نخستین کسی که از این لقب استفاده کرد، خداوند متعال بود. هنگامی که پیامبر اسلام ﷺ به معراج رفتند، بر درهای بهشت عبارت «علی بن ابی طالب امیر المؤمنین» مکتوب بود. این نام‌گذاری، بنابر روایات، هفتاد هزار سال پیش از خلقت حضرت آدم ﷺ انجام شده است.^۱ از لحاظ تاریخی و روایی، لیلۃ الإسراء نخستین زمان ابلاغ این نام‌گذاری از سوی خداوند به پیامبر اسلام به شمار می‌رود.^۲

علامه مجلسی نقل کرده است که پیامبر اکرم ﷺ، امام علی ﷺ را به ام سلمه به عنوان «امیر المؤمنین» معرفی کردند.^۳ در گزارش دیگری آمده است که رسول خدا ﷺ برای عیادت از امام علی ﷺ به دیدار ایشان رفتند و به همراهان دستور دادند به او با عنوان «امیر المؤمنین» سلام کنند. در این هنگام ابو بکر، عمر و عثمان از رسول خدا درباره منشأ الهی یا شخصی این دستور پرسیدند و حضرت فرمودند: «این دستور از جانب خداوند است؛ این اسم را خداوند به علی بخشید و برای هیچ‌کس جز او نیست.»^۴

در میان شیعیان نیز روشن است که در روز غدیر، پیامبر ﷺ مسلمانان را به سلام به علی ﷺ با عنوان «امیر المؤمنین» امر کردند و تمام حاضران با این عنوان با ایشان بیعت نمودند.^۵

۱. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ۳۷/۳۳۹.

۲. طوسی، محمد بن حسن، الأمالی، ص ۲۹۵؛ مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ۳۷/۲۹۱.

۳. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ۳۷/۳۳۷، ۳۸/۱۲۳، ۳۷/۳۳۰، ۳۸/۳۴۱؛ صدوق، محمد بن علی، علل الشرائع، ۶۶/۱.

۴. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ۳۷/۳۲۲.

۵. مفید، محمد بن محمد، الإرشاد، ۱/۱۷۶؛ مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ۲۱/۳۸۶؛ طبرسی، فضل بن حسن، إعلام الوری بأعلام الهدی، ص ۱۳۱.

افزون بر متون شیعی، این لقب در منابع اهل سنت نیز آمده است. ابن عساکر دمشق روایت می‌کند که رسول خدا ﷺ به انس فرمودند: «اولین کسی که از این در وارد شود، امیرالمؤمنین و پیشوای سپیدپیشانیان^۱ و آقای مؤمنان است.» سپس امام علی علیه السلام وارد شد.^۲ حموی جوینی، ابو نعیم اصفهانی، خطیب خوارزمی، محمد بن یوسف گنجی و بسیاری از علمای اهل سنت نیز این روایت را نقل کرده‌اند.^۳

در روایت دیگری، رسول خدا ﷺ خطاب به ام سلمه، امام علی علیه السلام را «امیر المؤمنین»، آقای مسلمین و وصی خود خطاب کردند.^۴ همچنین قندوزی از پیامبر ﷺ نقل کرده است که حضرت، امام علی علیه السلام را «امیر المؤمنین»، «خیر الوصیین»، «سید الصدیقین»، «فاروق الأعظم» و «صدیق اکبر» نامیدند.^۵

در روایت دیگری از منابع اهل سنت به نقل از پیامبر اکرم ﷺ آمده است که چهار نفر در قیامت سواره محشور می‌شوند و یکی از آنان امام علی علیه السلام است؛ منادی عرش، ایشان را «امیر المؤمنین»، «امام متقیان» و «پیشوای پیشانی سفیدان» خطاب می‌کند.^۶

ابن مردویه نیز نقل می‌کند که پیامبر ﷺ خطاب به عایشه فرمودند: «مرا درباره برادرم میازار، همانا او امیرالمؤمنین، آقای مسلمانان و پیشوای پیشانی سفیدان است.»^۷

همچنین ابن عساکر از بریده روایت می‌کند که در جلسه‌ای هفت نفره، رسول خدا ﷺ به آنان دستور داد تا به علی علیه السلام با عنوان «امیر المؤمنین» سلام کنند.^۸

۱. کنایه از بسیار با وضو بودن. رک: مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ۳۳۸/۹.

۲. دمشق، علی بن حسن، تاریخ مدینة دمشق، ۳۰۳/۴۲.

۳. حموی، ابراهیم، فرائد السمطين، ۱۴۵/۱؛ اصفهانی، احمد بن عبد الله، حلیة الأولیاء وطبقات الأصفیاء، ۶۳/۱؛ گنجی، محمد بن یوسف، کفایة الطالب فی مناقب علی بن أبی طالب، ۲۱۱/۱؛ خوارزمی، موفق بن احمد، المناقب، ص ۸۶.

۴. قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، ینایع المودة، ۴۰۲/۳.

۵. همان.

۶. بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد، ۱۲۳/۱۳؛ گنجی، محمد بن یوسف، کفایة الطالب فی مناقب علی بن أبی طالب، ص ۱۸۴؛ خوارزمی، موفق بن احمد، المناقب، ص ۳۶۰.

۷. اصفهانی، احمد بن مردویه، مناقب علی بن أبی طالب علیه السلام، ۶۲/۱.

۸. دمشق، علی بن حسن، تاریخ مدینة دمشق، ۳۸۶/۴۲.

۲-۳. دوران خلفای سه گانه

با وجود گزارش های تاریخی شیعه و اهل سنت نسبت به استعمال این لقب در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای «امیر المؤمنین»، در میان بسیاری از کتب عامه همواره اصرار بر محدث بودن این لقب از زمان خلفا وجود دارد؛ تاجایی که حتی در عناوین ابواب درباره این لقب نیز به این موضوع اهتمام ورزیده اند. ابن خلدون هنگام بحث تاریخی از این لقب چنین عنوان می کند: «فی اللقب بأمر المؤمنین وأنه من سمات الخلافة وهو محدث منذ عهد الخلفاء»^۱. در بسیاری از گزارش های عامه، عمر بن خطاب نخستین کسی است که «امیر المؤمنین» بر او اطلاق شده است؛^۲ تاجایی که قول خلاف آن را توهم جاهلان می دانند.^۳ ابن خلدون در گزارشی تصریح می کند که عبدالله بن جحش اولین کسی بود که عمر بن خطاب را با این لقب خواند و بنابر برخی نقل ها عمرو بن عاصی یا مغیره بن شعبه بوده اند. بنابر این نقل، روزی فردی وارد مدینه شد و برای خبرگیری از خلیفه دوم گفت: «امیر المؤمنین کجاست؟» اصحاب وقتی این جمله را شنیدند، او را تحسین کردند و گفتند: «والله اسم او این است و والله امیر المؤمنین حقاً اوست».^۴

علامه امینی در الغدير آن شخص را عمرو بن عاصی دانسته و معتقد است که او اختصاص و اتصاف این لقب به علی علیه السلام را می دانسته، اما در واقعه مورد اشاره به جهت غرض ورزی، این لقب را برای عمر بن خطاب به کار برده است.^۵ طبق گزارش طبری، نخستین شخصی که ادعای «امیر المؤمنین» کرد، عمر بن خطاب بود. طبق این گزارش، پس از به خلافت رسیدن عمر، شخصی به او گفت: «ای خلیفه خلیفه رسول الله!» عمر در پاسخ گفت: «شما مؤمنانید و من امیر شما هستم، پس مرا امیر المؤمنین بخوانید».^۶

۱. اشبیلی، عبد الرحمن بن محمد، تاریخ ابن خلدون، ۲۸۲/۱.

۲. هبثمی، علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، ۱۹۸/۵؛ عسکری، حسن بن عبد الله، الأوائل، ۱۵۰/۱.

۳. نووی، یحیی بن شرف، الأذکار النوویة، ۳۶۱/۱.

۴. اشبیلی، عبد الرحمن بن محمد، تاریخ ابن خلدون، ۲۸۳/۱.

۵. امینی، عبد الحسین، الغدير، ۸۷/۸.

۶. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الطبري، ۲۰۸/۴.

در برخی گزارش‌ها آمده است که علت ملقب شدن عمر بن خطاب به این لقب آن بود که ابوبکر خود را «خلیفه رسول الله» نامیده بود و «خلیفه خلیفه رسول الله» برای عمر چندان زیبا نبود؛ از این رو او طبق پیشنهاد مغیره خود را «امیر المؤمنین» خواند.^۱ ابن حجر عسقلانی بر اساس برخی مستندات مدعی است که پیش از عمر بن خطاب، مسیلمه کذاب نخستین کسی بود که به این لقب خوانده شد.^۲

بنابر مشهور، نخستین خلیفه‌ای که به این لقب خوانده شد، عمر بن خطاب بود، اما گزارش‌هایی درباره «امیر المؤمنین» نامیده شدن خلیفه اول نیز وجود دارد. بنابر نقل سلیم بن قیس، در بیان ماجرای بیعت گرفتن از امام علی علیه السلام، ابو بکر فرستاده‌ای نزد آن حضرت فرستاد تا بگوید: «امیر المؤمنین ابو بکر را اجابت کن». امام در پاسخ فرستاده فرمود: «به خدا قسم، همانا ابو بکر می‌داند که استفاده از این لقب شایسته هیچ‌کس جز من نیست.»^۳ علامه مجلسی نیز روایتی مشابه را نقل کرده است.^۴ ذکر این نکته لازم است که استفاده از این لقب برای ابو بکر فقط در همین دو گزارش مستند آمده است.

پس از خلیفه اول و دوم، عثمان بن عفان نیز به عنوان خلیفه سوم به این لقب خوانده می‌شد.^۵ نکته مهم آن است که در همین دوران، امام علی علیه السلام در جلسه شورای انتخاب خلیفه، اصحاب و بزرگانی چون طلحه، زبیر، عبد الرحمن بن عوف، سعد بن ابی وقاص و عثمان بن عفان را مورد خطاب قرار داده و فرمودند: «شما را به خدا سوگند می‌دهم، آیا در میان شما فردی غیر از من وجود دارد که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در مورد او فرموده باشد: تو امیر مؤمنان، آقای مسلمانان و رهبر روی سپیدانی؟» و همگی سوگند خوردند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هیچ‌کس جز ایشان را به چنین القابی خطاب نکرده است.^۶

۱. فاسی، محمد بن احمد، العقد الثمین فی تاریخ البلد الامین، ۳۳۴/۵.

۲. عسقلانی، احمد بن حجر، فتح الباری شرح صحیح البخاری، ۳۷۱۷.

۳. هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس، ۱۴۸/۱.

۴. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ۲۹۷/۲۸.

۵. اشبیلی، عبد الرحمن بن محمد، تاریخ ابن خلدون، ۲۸۳/۱.

۶. طبری، محمد بن جریر، المسترشد فی إمامة علی بن أبی طالب علیه السلام، ۳۴۶/۱.

در نتیجه حتی دشمنان آن حضرت نیز اذعان داشتند که لقب «امیر المؤمنین» مختص امام علی (علیه السلام) است.

۳-۳. دوران بنی امیه و بنی عباس

به گزارش ابن خلدون، پس از عمر بن خطاب، این لقب توسط سایر خلفا و امرای بنی امیه و بنی عباس به ارث برده شد.^۱ خلفای غاصب بنی امیه همواره می کوشیدند تا با استفاده از لقب «امیر المؤمنین» به خلافت خود مشروعیت بخشند. در گزارشی آمده است که معاویه نسبت به شخصی از اهل شام که او را «امیر» خوانده بود اعتراض کرد و گفت: «این منافقی که کنیه امیر المؤمنین را کوتاه می کند، کیست؟!»^۲ بنابر گزارش سید بن طاووس، پس از عمر بن خطاب، عثمان بن عفان و معاویه و تمام خلفای بنی امیه و بنی عباس در پی آن بودند که به این لقب خوانده شوند، تاجایی که اگر کسی آنان را به این لقب خطاب نمی کرد، از آن فرد سخت خشمگین می شدند، او را زندانی می کردند، می کشتند یا از زندگی ساقط می نمودند.^۳ مردی از عبد الملک بن مروان خواست تا به او امنیت دهد تا سؤالی بپرسد. عبد الملک به او امنیت داد. مرد پرسید: «با کدام دلیل خود را امیر المؤمنین می نامی، در حالی که نه خداوند و نه رسول او و نه مسلمانان به تو امارت داده اند؟» عبد الملک خشمگین شد و گفت: «از قلمرو من خارج شو، وگرنه تو را به قتل می رسانم.»^۴

بنابر نقل ابن کثیر در حوادث سال ۸۸ هجری، امیر مغرب نیز با آنکه بسیار مورد تمجید قرار گرفته بود، اما به صرف آنکه او را «امیر المؤمنین» نخوانده بودند، سخت خشمگین شد.^۵ خلفا نسبت به «امیر المؤمنین» خطاب شدن فردی غیر از خود نیز موضع گیری داشتند؛ چنان که عمر بن عبد العزیز کسی را که یزید را «امیر المؤمنین» خوانده بود، به بیست ضربه شلاق محکوم کرد.^۶

۱. اشبیلی، عبد الرحمن بن محمد، تاریخ ابن خلدون، ۲۸۳/۱.

۲. هیشمی، علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، ۱۹۸/۵.

۳. موسوی، علی بن طاووس، الیقین باختصاص مولانا علی (علیه السلام) بامارة المؤمنین، ص ۲۹.

۴. دیلمی، حسن بن ابی الحسن، أعلام الدین فی صفات المؤمنین، ۳۲۹/۱.

۵. دمشقی، اسماعیل بن کثیر، البدایة والنهاية، ۳۳۹/۱۲.

۶. سیوطی، عبد الرحمن بن ابی بکر، تاریخ الخلفاء، ۱۵۸/۱.

این خشم تا آنجا بود که برخی از اهل بیت علیهم السلام به منظور حفظ جان و رعایت اصل تقیه، برخی از سلاطین جائر مانند منصور عباسی را با لقب «امیر المؤمنین» خطاب می کردند.^۱ سید بن طاووس نیز علت این نام گذاری را از سوی اهل بیت علیهم السلام، حفظ جان و دوری از شر ایشان دانسته است.^۲

با توجه به اصرار حاکمان بر استفاده از این لقب، از دوران بنی امیه به بعد علمای اهل سنت نیز استفاده از آن را برای هر حاکمی اعم از نیکوکار و فاجر جایز دانستند؛^۳ بلکه پاران این هم فراتر نهادند و کسانی مانند مالک بن انس^۴، محمد بن اسحاق معروف به شعبه^۵ و ثوری^۶ را به خاطر حفظ احادیث، «امیر المؤمنین فی الحدیث» خواندند.

دور از واقعیت نیست اگر گفته شود که مجموعه اقدامات حکام بنی امیه و بنی عباس و به تبع آنان، برخی از علمای اهل سنت، تلاشی برای خارج کردن اختصاص این لقب از امام علی علیه السلام بوده است. آنان برای رسیدن به این هدف به اقداماتی همچون جعل حدیث برای ملقب بودن خلفای سه گانه به این لقب بدون ذکر نام امام علی علیه السلام،^۷ ترویج و استفاده از لقب «امیر المؤمنین» در سلام و دعاها پس از نمازهای پنج گانه در طول سال های متمادی حکومت بنی امیه و بنی عباس^۸ و ترویج این لقب توسط صحابه و تابعین مانند عبد الله بن عمر^۹ و زید بن حارثه^{۱۰} برای خلفا دست زدند.

۱. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمة فی معرفة الأئمة، ۱۶۰/۲.
۲. موسوی، علی بن طاووس، الیقین باختصاص مولانا علی علیه السلام بامرة المؤمنین، ص ۲۹.
۳. نووی، یحیی بن شرف، روضة الطالبین وعمدة المفتین، ۴۹/۱۰؛ بهوتی، منصور بن یونس، کشف القناع عن متن الأفتاح، ۱۵۹/۶.
۴. مدنی، مالک بن انس، المدونة الکبری، ۴۶۵/۶.
۵. اندلسی، علی بن حزم، المحلی بالآثار، ۲۴۱/۳.
۶. نووی، یحیی بن شرف، المنهاج شرح صحیح مسلم بن الحجاج، ۸۶/۱.
۷. دمشقی، علی بن حسن، تاریخ مدینة دمشق، ۲۲۱/۳۹؛ بکری، عثمان بن محمد، إعانة الطالبین علی حل ألفاظ فتح المعین، ۳۵۷/۲.
۸. سیوطی، عبد الرحمن بن ابی بکر، تنویر الحوالک شرح موطأ مالک، ۷۱/۱.
۹. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، ۷۸/۹.
۱۰. همو، الأدب المفرد، ۲۴۱/۱؛ عسقلانی، احمد بن حجر، فتح الباری شرح صحیح البخاری، ۱۱/۱.

۴. نتایج فقهی اختصاص لقب «امیر المؤمنین» به امام علی (علیه السلام)

یکی از مباحث مرتبط با این پژوهش، نتایج فقهی اتصاف و اختصاص لقب «امیر المؤمنین» به علی بن ابی طالب (علیه السلام) در زمان حیات ایشان و پس از آن است. بررسی روایات مربوط به این موضوع نشان می‌دهد که این امر از سوی خداوند^۱ و هفتاد هزار سال پیش از خلقت حضرت آدم (علیه السلام)^۲ بر عرش الهی مکتوب بوده^۳ و خداوند متعال پیش و پس از آن هرگز کسی را بدین نام ملقب نکرده است.^۴

علاوه بر این، گزارش‌های روایی متعدد از ائمه اطهار (علیهم السلام) نشان‌دهنده اختصاص این لقب به امام علی (علیه السلام) است؛ به گونه‌ای که هرکس غیر از آن حضرت خود را با این لقب بنامد، «کافر»^۵ و «افترازننده دروغ‌گو»^۶ شمرده شده است. در تفسیر آیه ۲۷ سوره ملک نیز مفسران، کفار مذکور در آیه را همان کسانی دانسته‌اند که خود را به دروغ «امیر المؤمنین» نامیده‌اند.^۷

از مجموع این روایات برمی‌آید که استفاده از این لقب و ملقب کردن دیگران به آن، دروغ بستن به خداوند و از گناهان کبیره است. بنابراین، استعمال این لقب برای دیگران حرام است و به ملازمه، خطاب کردن غیر امام علی (علیه السلام) با این لقب نیز حرام خواهد بود. از مباحث فقهی مرتبط با این بحث، عدم جواز استفاده از این لقب برای دیگر ائمه (علیهم السلام) جز امام علی (علیه السلام) است. در این باره، تعبیر تندی از اهل بیت (علیهم السلام) در نهی از استعمال این لقب برای آنان نقل شده است. امام صادق (علیه السلام) در پاسخ مردی که ایشان را با لقب «امیر المؤمنین» خطاب کرد، او را از این کار بازداشتند و استفاده از این اسم را برای کسی به جز علی بن ابی طالب (علیه السلام) مشروع ندانستند: «مه هذا

۱. طوسی، محمد بن حسن، الأمالی، ص ۲۹۵.

۲. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ۳۷/۳۳۹.

۳. همان، ۳۷/۲۹۹ و ۲۷/۱۲ و ۳۷/۳۳۹.

۴. طوسی، محمد بن حسن، الأمالی، ص ۲۹۵.

۵. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۱/۴۱۲.

۶. همان، ۸/۲۸۸.

۷. کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات الکوفی، ص ۱۹۳؛ بحرانی، سید هاشم بن سلیمان،

البرهان، ۴/۸۶۲؛ قمی، محمد بن محمد رضا، کنز الدقائق، ۱۳/۳۶۳.

اسم لا یصلح إلّا لأمر المؤمنین علیه السلام سَمَاهُ الله به ولم یسم به أحد غیره»^۱ و در روایت دیگری چنین کسی را کافر خواندند. «لا ذاك اسم سمی الله به أمير المؤمنین لم یسم به أحد قبله ولا یسمی به بعده إلّا کافر»^۲. همچنین امام حسن علیه السلام نسبت به شخصی که ایشان را «امیر المؤمنین» خطاب کرده بود، غضبناک شدند و درحالی که چشمانشان سرخ و خون در رگ‌هایشان به جوش آمده بود آن شخص را مذمت کرده و به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله این لقب را مختص پدرشان علی بن ابی طالب علیه السلام دانست و احدی را در آن شریک ندانستند.^۳

با توجه به کاربرد واژه «کافر» و اسم فعل «مَه» که برای زجر و نهی به کار می‌رود،^۴ می‌توان نتیجه گرفت که استفاده از این لقب برای هیچ‌کس جز امام علی علیه السلام جایز نیست و استعمال آن حرام است.

علامه مجلسی به نقل از کراجکی بیان کرده است که سایر ائمه نیز در حقیقت «امراء مؤمنین» هستند، اما این نهی از حیث معنا نیست بلکه از جهت تسمیه و لفظ است؛ از این رو فقط حضرت علی علیه السلام استحقاق این لقب را دارند.^۵ ابن شهر آشوب نیز اطلاق «امیر المؤمنین» بر غیر امام علی علیه السلام از میان ائمه را از دیدگاه فقهای شیعه جایز نمی‌داند.^۶ محدث نوری نیز در ذیل روایت مذکور با استناد به سخنان علامه مجلسی و ابن شهر آشوب به بررسی و رد برخی برداشت‌ها پرداخته است.^۷ با توجه به این روایات، شیخ حر عاملی در وسائل الشیعة تحت عنوان «باب أنه لا یجوز أن یخاطب أحد بامرة المؤمنین إلّا علی بن أبی طالب علیه السلام» به حرمت خطاب کردن غیر امام علی علیه السلام با لقب «امیر المؤمنین» فتوا داده و احادیث مربوط به این موضوع

۱. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، ۲۷۶/۱.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۴۱۱/۱.

۳. موسوی، علی بن طاووی، التحصین لأسرار ما زاد من کتاب الیقین، ص ۲۵.

۴. انصاری، محمد بن مکرم، لسان العرب، ۵۴۲/۱۳.

۵. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ۳۶۲/۲۵.

۶. مازندرانی، محمد بن شهر آشوب، مناقب آل أبی طالب علیهم السلام، ۵۵/۳.

۷. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل، ۴۰۰/۱۰.

را بسیار شمرده است. او احتیاط را در ترک این نام‌گذاری حتی درباره دیگر ائمه نیز دانسته است.^۱ به اعتقاد سید جعفر مرتضی عاملی نیز لقب «امیر المؤمنین» خاص امام علی علیه السلام است و هیچ‌کس جز ایشان، حتی دیگر ائمه را نباید به این لقب ملقب کرد.^۲

مراجع معاصر نیز مطابق استفتائات انجام‌شده توسط نگارنده، استفاده از این لقب برای سایر اهل بیت علیهم السلام را نهی کرده‌اند. آیت الله نوری همدانی در پاسخ مرقوم داشته‌اند: «لقب امیر المؤمنین مختص به امام اول، علی بن ابی طالب علیه السلام است و برای سایر معصومین نیز نباید استعمال شود.»^۳ آیت الله مکارم شیرازی نیز در پاسخ فرموده‌اند: «آنچه از روایات مذکور استفاده می‌شود، این است که لقب امیر المؤمنین مختص حضرت علی علیه السلام است و سزاوار است برای غیر آن حضرت استفاده نگردد؛ هرچند همه ائمه علیهم السلام امیر و مولای مؤمنان محسوب می‌شوند.»^۴

۵. نتایج کلامی اختصاص لقب «امیر المؤمنین» به امام علی علیه السلام

یکی از آثار و نتایج اختصاص لقب «امیر المؤمنین»، نتایج کلامی این بحث است که در سه عنوان کلامی به صورت تفصیلی به آن پرداخته خواهد شد.

۵-۱. اعتقاد به اختصاصی بودن لقب به امام علی علیه السلام

یکی از مهم‌ترین نتایج کلامی لقب «امیر المؤمنین» اعتقاد به اختصاص این لقب به امام علی علیه السلام است. مستند اختصاصی بودن این لقب در غالب روایات شیعه وجود دارد و به صورت واضح و روشن به آن اشاره شده است.^۵

بنابر نقل علامه مجلسی، خداوند متعال هنگام معراج رسول اکرم صلی الله علیه و آله این لقب را مختص به امام علی علیه السلام دانست که پیش و پس از او هیچ‌کس به این لقب ملقب

۱. عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، ۶۰/۱۴.

۲. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیرة الإمام علی علیه السلام، ۱۵۶/۱.

۳. کد استفتاء: ۵۵۴۱۵.

۴. کد استفتاء: ۱۴۰۲۱۱۲۶۰۰۲۷.

۵. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۴۱۲/۱؛ طوسی، محمد بن حسن، الأمالی، ص ۲۹۵.

نخواهد شد.^۱ به گزارش سید بن طاووس، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به دستور خداوند در جریان جنگ بدر، علی علیه السلام را «امیر المؤمنین» خواندند و فرمودند: «پیش و پس از او هر کس مدعی این لقب باشد، کافر^۲ و دروغ گوست.»^۳ امام علی علیه السلام نیز نسبت به استفاده این لقب توسط خلیفه اول واکنش منفی نشان داده و می فرماید: «قسم به خدا، او می داند که کسی جز من صلاحیت این لقب را ندارد.»^۴

تأکید فراوان بر اختصاص این لقب به امام علی علیه السلام در روایات متعدد، سبب شکل گیری نگاه اعتقادی خواص شیعه به این لقب شد. در دوران خلافت خلیفه دوم، سلمان در نامه ای خطاب به او نوشت: «اگر این امت از خدا می ترسیدند و از قول پیامبرشان پیروی می کردند و به حق آگاهی داشتند، هرگز تو را امیر المؤمنین نمی خواندند.»^۵ به نقل اربلی، ابوذر نیز هنگام بیماری به امام علی علیه السلام وصیت کرد. شخصی به او گفت: به امیر المؤمنین عمر بن خطاب وصیت کن. ابوذر پاسخ داد: «به خدا قسم، به امیر المؤمنین وصیت کردم؛ و او امیر المؤمنین حقیقی یعنی علی بن ابی طالب علیه السلام است.»^۶

امامان بعدی و اصحاب ایشان نیز در دوران های بعد بر این اختصاص تأکید کردند. امام صادق علیه السلام ملقب نمودن امام دوازدهم به این لقب را جایز ندانستند و فرمودند: «خداوند متعال با این لقب امام علی علیه السلام را نام گذاری کرده و هیچ کس پیش و پس از او بدین نام نامیده نخواهد شد؛ مگر آن که کافر است.»^۷

پس از دوران اهل بیت علیهم السلام نیز برخی از علمای شیعه در این باره کتاب های مستقلی نوشتند و روایات رسول خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام را گرد آوردند. از جمله آنان سید

۱. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ۱۵۹/۳۶.

۲. موسوی، علی بن طاووس، الیقین باختصاص مولانا علی علیه السلام بإمرة المؤمنین، ص ۲۴۲.

۳. کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات الکوفی، ص ۱۹۳.

۴. موسوی، علی بن طاووس، الیقین باختصاص مولانا علی علیه السلام بإمرة المؤمنین، ص ۲۷.

۵. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج علی أهل اللجاج، ص ۱۳۲.

۶. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمة فی معرفة الأئمة، ۳۴۴/۱.

۷. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۴۱۲/۱.

ابن طاووس، نویسنده دواثر الیقین باختصاص مولانا علی یامره المؤمنین و التحصین لأسرار ما زاد من کتاب الیقین است.

در منابع اهل سنت نیز اگرچه اختصاصی بودن این لقب به صراحت منابع شیعه بیان نشده، اما در روایات آنان نیز این لقب فقط برای امام علی علیه السلام ذکر شده که خود نوعی اختصاص به شمار می‌رود. همچنین نامیدن خلفا به این لقب هیچ مستندی از پیامبر صلی الله علیه و آله ندارد و برخی منابع اهل سنت تصریح کرده‌اند که این لقب از زمان خلفا پدید آمده است.

۵-۲. جانشینی امام علی علیه السلام

یکی دیگر از نتایج کلامی لقب «امیر المؤمنین» دلالت آن بر جانشینی امام علی علیه السلام است. سید مرتضی در بحث نص و جانشینی امام علی علیه السلام معتقد است نصوص جانشینی دوگونه‌اند: قولی و فعلی.^۱ نصوص قولی یعنی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با گفتار، امام علی علیه السلام را جانشین خود معرفی کردند، و نصوص فعلی یعنی رفتارهایی که دلالت بر جانشینی آن حضرت دارد.

یکی از قالب‌های گفتاری پیامبر صلی الله علیه و آله در معرفی جانشین خود، ملقب ساختن امام علی علیه السلام به لقب «امیر المؤمنین» بود. در کتب لغت، واژه «امیر» به معنای صاحب امر و فرمانروا^۲ و واژه «امارت» دلالت بر ولایت دارد و شامل ریاست دینی نیز می‌شود.^۳ بررسی روایات نشان می‌دهد که تلقب امام علی علیه السلام به این لقب از جانب خداوند متعال و رسول او به منزله جانشینی معنوی و حکومتی پیامبر بوده است.^۴

پیامبر صلی الله علیه و آله در واکنش به فردی که نامیده شدن امام علی علیه السلام به «امیر المؤمنین» را انکار کرد، می‌فرمایند:

۱. موسوی، علی بن حسین، الشافی فی الإمامة، ۶۵/۲.

۲. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة، ۵۸۱/۲؛ انصاری، محمد بن مکرم، لسان العرب، ۲۷/۴؛ زبیدی، سید محمد بن عبد الرزاق، تاج العروس، ۳۸/۶.

۳. موسوی، علی بن حسین، الشافی فی الإمامة، ۵۰/۱.

۴. طوسی، محمد بن حسن، الأمالی، ص ۳۴۳، ۳۵۴؛ موسوی، علی بن موسی، الیقین باختصاص مولانا علی علیه السلام یامره المؤمنین، ص ۱۵۹.

همانا خداوند ﷺ مرا به عنوان فرستاده به سوی شما برانگیخت و به من امر کرد تا علی را به عنوان امیر به جانشینی معرفی کنم. آگاه باشید هر کس من نبی او هستم علی امیر اوست، امیر بودنی که خداوند ﷺ او را امیر شما قرار داد و مرا بدان امر کرد تا شما را آگاه سازم تا به او امر او گوش دهید و از او اطاعت کنید؛ پس خداوند متعال او را امیر شما قرار داد و او را «امیر المؤمنین» نامید و احدی را قبل و بعد از او بدین نام نامگذاری نکرد.

رسول خدا ﷺ در ادامه با بیان آیه «قَدْ أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا»^۱ رسالت خود را ابلاغ شده تلقی کردند و با ذکر آیه «وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ نَارًا خَالِدًا فِيهَا»^۲ اطاعت از امام علی ﷺ را اطاعت از خدا و رسولش و مسیر متخلفین از آن حضرت را جهنم و آتش دانستند.^۳

به نظر می‌رسد دستور خداوند به رسول اکرم ﷺ برای امر کردن به مسلمانان برای سلام کردن به امام علی ﷺ با عنوان «امیر المؤمنین» نیز برای تثبیت جانشینی آن حضرت بوده است. بنابر برخی گزارش‌ها خداوند متعال جبرئیل را به سوی نبی اکرم ﷺ فرستاد تا در زمان حیاتش برای ولایت حضرت علی بن ابی طالب ﷺ شاهد بگیرد و قبل از وفاتش ایشان را به «امیر المؤمنین» نامگذاری کند. پیامبر اکرم ﷺ با فراخواندن نه نفر از اصحاب خود به ایشان فرمود: «همانا من شما را فراخواندم تا در زمین شاهدان خداوند باشید چه ایستادگی کنید و چه کتمان کنید.» سپس به ابو بکر و عمر دستور دادند تا در حالت ایستاده به امام علی ﷺ به عنوان «امیر المؤمنین» سلام کنند. آن دو از رسول خدا ﷺ پرسیدند: آیا این دستور خداوند است یا دستور شما؟ حضرت در پاسخ این امر را الهی دانستند. پس از آن رسول خدا ﷺ به مقداد بن اسود کندی، ابو ذر غفاری، حذیفه یمانی، عمار بن یاسر، عبد الله بن مسعود و بریده دستور دادند تا به امام علی ﷺ با عنوان

۱. هود: ۵۷.

۲. نساء: ۱۴.

۳. صدوق، محمد بن علی، الأمالی، ص ۴۰۷.

«امیر المؤمنین» سلام دهند. سپس باز پیامبر خدا ﷺ فرمودند: «من شما را به این امر فراخواندم تا شاهدان خداوند باشید چه ایستادگی کنید چه ترک کنید».^۱

معرفی امام علی علیه السلام توسط رسول خدا ﷺ با استفاده از لفظ امیر دلالت بر جانشینی دینی و دنیایی دارد. یکی از ملزومات این جانشینی، لزوم اطاعت از ایشان در تمام امور است. از همین رو، رسول خدا ﷺ در پایان سخنان خود به اطاعت از ایشان اشاره می‌کنند.

یکی از مهم‌ترین شواهد دلالت لقب «امیر المؤمنین» بر جانشینی امام علی علیه السلام انتخاب آن توسط خداوند است؛ همواره رسول اکرم ﷺ در پاسخ به سؤال کنندگان از علت ملقب شدن امام علی علیه السلام به این لقب و اینکه این لقب از جانب خداوند یا رسول او صورت گرفته، بر این نکته تأکید داشتند که این امر الهی است.^۲ در گزارش دیگری ابن عباس که از خطاب شدن حضرت علی علیه السلام به عنوان «امیر المؤمنین» متعجب شده بود، از پیامبر اکرم ﷺ سؤال کرد: «چیزی که در مورد ایشان فرمودید، از روی محبت به ایشان بود یا از جانب خداوند؟» پیامبر اکرم ﷺ در جواب او برای تأکید به نام خداوند قسم خوردند و آن را الهی دانستند و ماجرای شب معراج را بیان کردند.^۳

علامه مجلسی ذیل این روایات، با اثبات نام‌گذاری امام علی علیه السلام به «امیر المؤمنین» در زمان حیات و پس از وفات پیامبر، این اخبار را متواتر دانسته و پس از بیان اینکه کلمه «المؤمنین» محلی به «ال» است و دلالت بر عموم دارد، پس بر تمام مردم اطاعت از اوامر و اجتناب از نواهی امام علی علیه السلام واجب است، نوشته: «این امر همان امامت کبری و ریاست عظمی بر مسلمانان است».^۴

۱. مفید، محمد بن محمد، الأمالی، ص ۱۸؛ طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج علی أهل اللجاج، ۶۶/۱؛ خصیبی، حسین بن حمدان، الهدایه الکبری، ص ۱۰۲.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۲۹۲/۱؛ موسوی، علی بن طاووس، الیقین باختصاص مولانا علی علیه السلام بامرة المؤمنین، ص ۳۱۷؛ مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ۸۶/۳۶، ۱۴۸/۳۶، ۱۶۹/۳۶، ۳۲۲/۳۷.

۳. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ۳۳۹/۳۷.

۴. همان، ۳۴۰/۳۷.

شواهد متعدد نشان می‌دهد علت پافشاری اهل بیت علیهم‌السلام و شیعیان در طول سالیان متمادی برای حفظ انحصار این لقب برای امام علی علیه‌السلام، معنا و دلالت آن بوده است. در گزارش‌های روایی فراوان از حضرت علی علیه‌السلام با عبارات‌هایی مانند: «الإمام بعدي والأمر»،^۱ «الأمير بعدي»،^۲ «أمير المؤمنين»، «أمير كل مؤمن بعدي»،^۳ «أمير في الأرض وأمير في السماء»^۴ یاد شده است. این عبارات دلالت بر شمول امارت آن حضرت بر اهل آسمان و زمینان دارد.

۳-۵. افضلیت امام علی علیه‌السلام

یکی دیگر از نتایج کلامی اختصاص لقب «امیر المؤمنین» دلالت آن بر افضلیت امام علی علیه‌السلام است. متکلمان افضلیت را به دو معنا دانسته‌اند:^۵ کثرت ثواب و جایگاه اخروی نزد خداوند؛ افضلیت در صفات ظاهری و معنوی. طبق دیدگاه همه متکلمان شیعه، امام باید در هر دو معنا افضل باشد^۶ و امامت مفضول جایز نیست.^۷ بنابر دیدگاه علامه حلی امام از سه حال خارج نیست: امام یا بر همه مردم افضل است، یا مساوی، یا مفضول. مساوی بودن عقلاً محال است؛ زیرا در این حالت ترجیح بدون مرجح لازم می‌آید؛ و مفضول بودن نیز محال است؛ زیرا تقدیم مفضول بر فاضل قبیح است. آیه ۳۵ سورة یونس نیز بر همین معنا دلالت دارد.^۸ بنابراین، اختصاص لقب «امیر المؤمنین» از جانب خدا و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به امام علی علیه‌السلام، نشان‌دهنده برتری مطلق و افضلیت او بر سایر مردم است.

۱. صدوق، محمد بن علی، الأمالی، ص ۱۰۱.
۲. موسوی، علی بن طاووس، الیقین باختصاص مولانا علی علیه‌السلام بإمرة المؤمنین، ص ۴۷۷.
۳. صدوق، محمد بن علی، کمال الدین وتمام النعمة، ۲۶۰/۱.
۴. مازندرانی، محمد بن شهر آشوب، مناقب آل أبي طالب علیهم‌السلام، ۴۸/۳.
۵. حمصی، محمود بن علی، المنتقد من التقليد، ۲۸۶/۲.
۶. طوسی، محمد بن محمد، تلخیص المحصل، ۴۳۱/۱.
۷. حلی، جعفر بن حسن، المسلك في أصول الدين، ص ۱۹۸؛ سیوری، مقداد بن عبد الله، اللوامع الإلهية، ص ۳۲۹؛ بحرانی، علی بن عبد الله، منار الهدی في النص على إمامة الاثني عشر، ص ۲۱.
۸. حلی، حسن بن یوسف، كشف المراد في شرح تجريد الاعتقاد، ص ۳۶۶.

۶. پیامدهای سیاسی و اجتماعی

یکی از نتایج مهم لقب «امیر المؤمنین»، پیامدهای سیاسی و اجتماعی غضب آن است. مهم‌ترین پیامد غضب لقب «امیر المؤمنین» محروم شدن مؤمنین از اطاعت از امیر حقیقی است. شیخ مفید می‌گوید که اگر خلفای سه‌گانه در تقدّم بر آل محمد علیهم‌السلام اتفاق نمی‌کردند، هیچ‌گاه میان مسلمانان شمشیر کشیده نمی‌شد. اهل جمل و شام و نهروان خون مؤمنین را بر زمین نمی‌ریختند. خون امام علی علیه‌السلام از روی جهل بنابر تدبیر دروغین ریخته نمی‌شد. امام حسن و امام حسین علیهم‌السلام به شهادت نمی‌رسیدند. حرام‌های عترت حلال نمی‌شد و خون پاک اهل بیت علیهم‌السلام ریخته نمی‌شد. شیخ مفید ریشه تمام گمراهی‌های پس از وفات پیامبر را غضب این لقب توسط خلفای سه‌گانه می‌داند.^۱

بلداوی نیز شهادت امام علی و حسنین علیهم‌السلام، به‌ویژه واقعه عاشورا، را از پیامدهای غضب این لقب دانسته است.^۲ خلفای ظالم با استفاده از این عنوان برای خود، وجهه‌ای دینی ساختند و به مشروعیت‌سازی برای حکومت‌های غاصب پرداختند. به گفته قلّشندی ادیب و شاعر قرن هشتم، بالاترین درجه مدح برای خلفا نامیده شدن به القاب «امام» و «امیر المؤمنین» بود.^۳

استفاده از این لقب تا بدانجا بود که سلیمان بن عبد الملک در نامه خود به ولید، رضایت و خوشحالی او را معیار خوشحالی خودش و رضایت خداوند دانسته است.^۴ پرواضح است که این فضا ناشی از قداست ایجاد شده به خاطر استفاده از آن لقب برای حکام و خلفا بوده است. با توجه به این مطالب می‌توان تمام ظلم‌هایی که از تاریخ غضب تا روز قیامت شکل گرفته و خواهد گرفت و محرومیت طیف وسیعی از بشریت از هدایت الهی را منشأ گرفته از غضب این لقب دانست و این مهم را از بزرگترین پیامدهای اجتماعی سیاسی غضب آن لقب برشمرد.

۱. بغدادی، محمد بن نعمان، الإنصاح، ۲۴۱/۱.

۲. بلداوی، وسام برهان، تیجان الولاء، ۹۵/۱.

۳. قلّشندی، احمد بن علی، صبح الأعشى في صناعة الإنشاء، ۲۷۰/۹.

۴. اسدی، زبیر بن بکار، الأخبار الموفقیات، ص ۱۹۱.

نتیجه گیری

در زمان حیات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، نخستین کسی که امام علی علیه السلام را «امیر المؤمنین» خواند، خداوند متعال بود. پس از آن نیز پیامبر صلی الله علیه و آله همواره این لقب را برای او به کار می برد. امامان شیعه علیهم السلام نیز بر این انحصار تأکید کرده و اجازه ندادند کسی دیگر - حتی خودشان - به این لقب خوانده شود. خلفای سه گانه، با علم به اختصاص این لقب، خود را جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله معرفی کردند و از این عنوان برای تثبیت قدرت استفاده نمودند؛ روندی که بعدها توسط بنی امیه و بنی عباس نیز ادامه یافت. از منظر فقه شیعه، نسبت دادن این لقب به غیر امام علی علیه السلام دروغ بستن به خدا و از گناهان کبیره است. از منظر کلامی، این لقب نشانه اختصاص امامت، افضلیت و جانشینی الهی امام علی علیه السلام است. از منظر تاریخی و اجتماعی نیز غصب آن منشأ ظلم ها، انحراف ها و گمراهی های بسیار در تاریخ اسلام گردید.

فهرست منابع

قرآن کریم.

اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمّة فی معرفة الأئمة، چاپ اول: بنی هاشمی، تبریز، ۱۳۸۱ق.

اسدی، زبیر بن بکار، الأخبار الموفقیات، چاپ اول: عالم الکتب، بیروت، ۱۴۱۶ق.
اصفهان، احمد بن عبد الله، حلیة الأولیاء وطبقات الأصفیاء، چاپ اول: دار الکتب، بیروت، ۱۴۰۹ق.

اصفهان، احمد بن موسی، مناقب علی بن ابي طالب علیه السلام، چاپ دوم: دار الحدیث، قم، ۱۴۲۴ق.

امینی، عبد الحسین، الغدیر فی الکتب والسنّة والأدب، چاپ اول: کتابخانه بزرگ اسلامی، تهران، ۱۳۸۶ش.

اندلسی، علی بن حزم، المحلی بالآثار، چاپ اول: دار الجیل، بیروت، ۱۴۲۴ق.

انصاری، محمد بن مکرم، لسان العرب، چاپ اول: دارصادر، بیروت، ۱۴۰۵ق.
بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، چاپ اول: موسسه بعثت، قم، ۱۳۷۴ش.

بحرانی، علی بن عبد الله، منار الهدی فی النص علی إمامه الاثنی عشر علیهم السلام، چاپ اول: دار المنتظر للطباعة والنشر والتوزیع، بیروت، ۱۴۰۵ق.

بخاری، محمد بن اسماعیل، الأدب المفرد، چاپ اول: مؤسسة الكتب الثقافية، بیروت، ۱۴۰۶ق.

---، الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله ﷺ وسننه وأيامه (صحيح البخاري)، چاپ اول: دار طوق النجاة، بیروت، ۱۴۲۲ق.

بستانی، فواد افرام، فرهنگ ابجدی، چاپ اول: اسلامی، تهران، ۱۳۷۶ش.

بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد، بیروت، دار الكتب العلمية، بی تا.

بغدادی، محمد بن محمد، الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، چاپ اول: کنگره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ق.

بغدادی، محمد بن محمد، الإفصاح في الإمامة، چاپ اول: کنگره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ق.

---، الأمالي، چاپ اول: کنگره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ق.

بکری، عثمان بن محمد، إعانة الطالبین على حل ألفاظ فتح المعین، چاپ اول: دار الفکر للطباعة والنشر والتوزيع، بیروت، ۱۴۱۸ق.

بلداوی، وسام برهان، تيجان الولاء في شرح بعض فقرات زیارة عاشوراء، چاپ اول: العتبة الحسينية المقدسة، کربلا، ۱۴۳۳ق.

بهوتی، منصور بن یونس، کشاف القناع عن متن الإقناع، چاپ اول: دار الكتب العلمية، بیروت، ۱۴۱۷ق.

جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغة وصحاح العربية، چاپ چهارم: دار العلم للملایین، بیروت، ۱۴۰۷ق.

حزرمی، عبد الرحمن بن محمد، تاریخ ابن خلدون، چاپ چهارم: دار إحياء التراث العربي، بیروت، ۱۴۲۱ق.

حلی، جعفر بن حسن، المسلك في أصول الدين، چاپ اول: مجمع بحوث اسلاميه، مشهد، ۱۴۱۴ق.

حلی، حسن بن یوسف، کشف المراد في شرح تجريد الاعتقاد، چاپ اول: موسسه نشر اسلامي، قم، ۱۴۳۰ق.

---، کشف اليقين في فضائل أمير المؤمنين ﷺ، چاپ اول: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي، تهران، ۱۴۱۱ق.

حمصی، محمود بن علی، المنقذ من التقليد، چاپ اول: موسسه نشر اسلامي، قم، ۱۴۱۲ق.

حموی، ابراهيم، فرائد السمطين، چاپ اول: موسسه محمودی، قم، بی تا.

- خصیصی، حسین بن حمدان، الهدایة الكبرى، چاپ اول: بلاغ، بیروت، ۱۴۱۹ق.
- خوارزمی، موفق بن احمد، المناقب، چاپ دوم: موسسه نشر اسلامی، قم، ۱۴۱۱ق.
- دمشقی، اسماعیل بن کثیر، البدایة والنهاية، چاپ اول: دار إحياء التراث العربي، بیروت، ۱۴۰۸ق.
- دمشقی، علی بن حسن، تاریخ مدینة دمشق، چاپ اول: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، بی تا.
- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران، روزنه، ۱۳۸۵ش.
- دیلمی، حسن بن ابی الحسن، أعلام الدین فی صفات المؤمنین، چاپ اول: مؤسسه آل البيت علیه السلام لإحياء التراث، قم، ۱۴۰۸ق.
- زبیدی، سید محمد بن عبد الرزاق، تاج العروس من جواهر القاموس، چاپ اول: دار الفكر، بیروت، ۱۴۱۴ق.
- سیوری، مقداد بن عبد الله، اللوامع الإلهية، چاپ اول: مجمع الفكر الإسلامي، قم، ۱۴۲۴ق.
- سیوطی، عبد الرحمن بن ابی بکر، تاریخ الخلفاء، چاپ اول: مکتبه نزار مصطفى الباز، ۱۴۲۳ق.
- ، تنویر الحوالک شرح موطأ مالک، چاپ اول: المکتبة التجارية الكبرى، مصر، ۱۳۸۹ق.
- صدوق، محمد بن علی، الأمالي، چاپ ششم: کتابچی، تهران، ۱۳۷۶ش.
- ، علل الشرائع، چاپ اول: کتاب فروشی داوری، قم، ۱۳۸۵ش.
- ، کمال الدین و تمام النعمة، چاپ دوم: اسلامیة، تهران، ۱۳۹۵ق.
- طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج علی أهل اللجاج، چاپ اول: نشر مرتضی، مشهد، ۱۴۰۳ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، إعلام الوری بأعلام الهدی، چاپ سوم: اسلامیة، تهران، ۱۳۹۰ق.
- طبری، محمد بن جریر، المسترشد فی إمامة علي بن أبي طالب علیه السلام، چاپ اول: کوشانپور، قم، ۱۴۱۵ق.
- طبری، محمد بن جریر، تاریخ الطبري، بیروت، بی تا.
- طوسی، محمد بن حسن، الأمالي، چاپ اول: دار الثقافة، قم، ۱۴۱۴ق.
- طوسی، محمد بن محمد، تلخیص المحصل، چاپ دوم: دار الأضواء، بیروت، ۱۴۰۵ق.
- عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحيح من سيرة الإمام علي علیه السلام، چاپ اول: المركز

الإسلامي للدراسات، بيروت، ١٤٣٠ق.

عاملي، محمد بن حسن، وسائل الشيعة، چاپ اول: مؤسسة آل البيت عليه السلام، قم، ١٤٠٩ق.
عسقلاني، احمد بن حجر، فتح الباري شرح صحيح البخاري، چاپ اول: دار المعرفة، بيروت، ١٣٧٩ق.

عسكري، حسن بن عبد الله، الأوائل، چاپ اول: دار البشير، طنطا، ١٤٠٨ق.
عياشي، محمد بن مسعود، تفسير العياشي، چاپ اول: المطبعة العلمية، تهران، ١٣٨٠ق.
فاسي، محمد بن احمد، العقد الثمين في تاريخ البلد الأمين، چاپ دوم: مؤسسة الرسالة، بيروت، ١٤٠٦ق.

قلقشندی، احمد بن علی، صبح الأعشى في صناعة الإنشاء، بيروت، دار الكتب العلمية، بی تا.
قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، ینابیع المودة لذي القربى، چاپ اول: دار الأسوة، قم، بی تا.

کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، چاپ چهارم: دار الكتب الإسلامية، تهران، ١٤٠٧ق.
کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر الفرات الکوفی، چاپ اول: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ١٤١٠ق.

گنجی، محمد بن یوسف، کفایة الطالب في مناقب علي بن أبي طالب، چاپ اول: دار احیاء التراث اهل البيت عليه السلام، بیروت، بی تا.

مازندرانی، محمد بن ابن شهر آشوب، مناقب آل أبي طالب عليه السلام، چاپ اول: علامه، قم، ١٣٧٩ق.

مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، چاپ دوم: إحياء التراث العربي، بیروت، ١٤٠٣ق.
مدنی، مالک بن انس، المدونة الكبرى، چاپ اول: دار إحياء التراث العربي، بیروت، ١٤١٥ق.

موسوی، علی بن حسین، الشافي في الإمامة، چاپ اول: مؤسسة الصادق للطباعة والنشر، تهران، بی تا.

موسوی، علی بن طاووس، الیقین باختصاص مولانا علي عليه السلام بإمرة المؤمنين، چاپ اول: دار الكتاب، قم، ١٤١٣ق.

نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل، چاپ اول: مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث، بیروت، ١٤٠٨ق.

نووی، یحیی بن شرف، الأذکار النووية، چاپ اول: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، بیروت، ١٤١٤ق.

---، المنهاج شرح صحيح مسلم بن الحجاج، چاپ دوم: دار إحياء التراث العربي، بيروت، ۱۳۹۲ق.

نووی، یحیی بن شرف، روضة الطالبین وعمدة المفتین، چاپ اول: المكتبة الإسلامية، بيروت، ۱۴۱۲ق.

هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس، چاپ سوم: دلیل ما، قم، ۱۴۲۳ق.
هیثمی، علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، چاپ اول: مكتبة القدسي، قاهره، ۱۴۱۴ق.